

## تحلیل گفتمان جنسیت در نقاشی‌های عصر قاجار (مطالعه موردی: نقاشی دوره فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ه.ق.))

سیروس محسنی ناغانی<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد، پژوهش هنر، دانشگاه پیام نور واحد تهران شرق

### چکیده

جنسیت در دوران قاجار در ایران که جامعه‌ای پیشا مدرن است مفهومی هژمونیک و یا عینیت یافته نبود تقابل دوگانه زن/مرد در این جامعه هنوز به‌درستی شکل نگرفته است بدین معنی که طیف گسترده‌ای از شکل‌های گوناگون جنسیت و حتی کنش جنسی با رویکردی مسامحه‌جو قابل فهم و بدین ترتیب قابل پذیرش است مفهوم زیبایی و نسبت دادن این مفهوم به زنانگی، با برداشت‌های قرن نوزدهمی عصر قاجار در ایران هم‌خوانی نداشت. در دوران قاجار یک چهره‌ی زیبا می‌توانست، به هر دو جنس مرد و زن نسبت داده شود و در شرایط خاص هر دوی آنان به‌مثابه‌ی ابژه‌ی میل شناخته می‌شدند، اعم از این‌که آن دو فرد، زن یا مرد/امرد یا شاهد باشند. نه تنها مفهوم زیبایی در شخصیت‌های نقاشی‌های عصر فتحعلی‌شاه (اعم از زن و مرد) با مؤلفه‌های امروزی مطابقت ندارد بلکه در محور معکوس عمل می‌کند بدین ترتیب که زیبایی مردان در تصاویر زنانه و متقابلاً زیبایی زنان قابل تطبیق با زیبایی مردان و یا خواجگان است. تخطی از مفاهیم بنیادینی چون زن/مرد در یک جامعه پیشا مدرن طی فرآیندی گفتمانی محقق شد فرآیندی که همراه با نشانه‌های تصویری بخشی از گفتمان گسترده‌تر درگیر در روابط قدرت در ایران را به تصویر می‌کشد.

واژگان کلیدی: گفتمان، فوکو، جنسیت، قاجار، فتحعلی‌شاه، نقاش

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: hamid.kazemeini@gmail.com

دوره‌ی قاجار یکی از متناقض‌ترین و شگفت‌انگیزترین دوره‌های تاریخی ایران و محل برخورد بحران‌آفرین عناصر کهنه و نو، وقوع انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی و آغاز تحولات جدی فرهنگی و هنری است. در اثر کوشش روشنفکران نسل‌های اخیر، تحولات اجتماعی-فرهنگی قرن سیزدهم، در بسیاری از شاخه‌های هنری به ویژه شعر و ادبیات، موسیقی و معماری مورد بررسی قرار گرفته است. در حالیکه در زمینه‌ی نقاشی و هنرهای تجسمی دوران قاجار کار بسیار مانده است. لذا انجام مطالعاتی که از منظرگاه‌های گوناگون به شکل‌گیری تحولات نقاشی در این دوران بپردازد الزامی است. بررسی هنر این دوره تا حدود زیادی در گروی شناخت بسترهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و کل‌جریان قدرتمندی است که روح تاریخ را از حال شرقی خود به وجه غربی تغییر داد. پژوهش حاضر می‌کوشد تا با بهره‌بردن از روش تحلیل‌گفتمان به بررسی آثار نقاشی دوره‌ی اول هنر قاجار بپردازد.

بنا به تعریف بوردیو هر اثر هنری درون فضایی تعریف می‌شود و این فضا به معنای نظامی همگون از اندیشه‌ها نیست بلکه نظامی از تفاوت‌ها و تنوع‌هاست که هر اثر هنری درون آن تعریف می‌شود. فضایی که وی در ارجاع به میشل فوکو آن را فضای مقدمات استراتژیک می‌نامد، یعنی فضایی که هر مولدی اعم از نویسنده و هنرمند، آفرینشگری خود را بر اساس استراتژی‌هایی در پیش می‌گیرد که مبتنی بر گزینش و رد پاره‌ای از خط سیرهای فرهنگی و موضع‌گیری‌های سبکی، تکنیکی و مضمونی است که فضای درون‌گفتمانی و برون‌گفتمانی را از هم تفکیک می‌کند. تحلیل‌گفتمان بر خلاف تحلیل سبک به دنبال ترسیم فضای یکپارچه‌ای از سیطره‌ی یک اندیشه در یک دوران تاریخی و آشکار سازی قواعد سبک و آفرینش‌گری در آن دوران نیست، در تحلیل‌گفتمان پا را فراتر گذاشته و به دنبال زمینه‌های تولید متن هستیم. باید تأکید کرد که هدف تحلیل‌گفتمان، تحلیل معنای متن نیست، بلکه تحلیل شرایطی است که این معنا در آن تولید می‌شود و از همین رو به تحلیل‌نهادهای مولد معنا و باز تولید‌کننده‌ی گفتمان تأکید می‌شود. روند حرکت از متن به نهادهای مولد گفتمان بیانگر خواست‌نهایی تحلیل‌گفتمان در آشکار ساختن رابطه‌ی میان متن، قدرت و ایدئولوژی است. می‌توان ادعا کرد که موضوع گفتمان هنری به‌طور تنگاتنگ با موضوع بینا رشته‌ای نیز مرتبط است؛ زیرا هنر بر خلاف ادبیات از نظام‌های گوناگون نشانه‌ای بهره می‌برد و در برخی موارد این نظام‌های گوناگون را در هم می‌آمیزد و متن‌ها و گفتمان‌های چند نظامی را خلق می‌کند. حال اگر بپذیریم که چگونگی تغییر نظام‌های هنری در هر دوره‌ی تاریخی بر بستری از تحولات اساسی در گفتمان کلان آن دوره ظهور می‌یابد و هم‌چنین بپذیریم که گفتمان فقط منحصر به کلمات و عبارات نبوده و علائم و نشانه‌های غیرکلامی نیز در شکل‌دادن به آن‌ها نقش دارند، سعی بر این است تا با نگاهی بینا رشته‌ای نشانه‌هایی درون سنت تصویری عصر قاجار که در آن توجه به پیکره‌ی زن نسبت به دوران قبل افزایش یافته و چهره‌سازی از زنان سرشناس درباری، زنان حرمسرای شاهی، رقصندگان و نوازندگان توجه‌نقاشان و هم‌چنین دستگاه سلطنتی را به خود جلب کرده، بیابیم که در تعامل و یا در چالش با یکدیگر فرایندی را بوجود آورند که متأثر از گفتمان جنسیت و درون آن شکل گرفته است.

اهمیت درک جنسیت زمانی آشکار می‌شود که ما این فرض را بپذیریم که سکسوالیته در واقع فراهم‌کننده‌ی کلیدی برای فهم ما از ماست. نه به دلیل آنچه که ما اکنون هستیم، بلکه به دلیل جای داشتن جنسیت و چه بسا محوریت داشتن آن در طیفی از استراتژی‌هایی که دانشی از سوژه و مجموعه‌ای از هنجارها را بوجود می‌آورد. دانش و هنجارهایی که به وسیله‌ی آنها رفتار سوژه قاعده‌مند می‌شوند. جایگاه مهم جنسیت در یک چنین گفتمان هنجارمند سازی، اهمیت درک آن و ساز و کارهای دخالت آن در دانش و هنجارها را به وضوح نشان می‌دهد؛ و هم‌چنین ضرورت شناخت جنسیت به‌عنوان پدیده‌ای فراگیر و برساخته‌ای تاریخی در زندگی انسان.

از آنجا که تحلیل‌گفتمان رویکردی است که بیشتر برای هنرهای کلامی مورد استفاده قرار گرفته است و کمتر پژوهشی در ایران به مطالعه‌ی شکل‌گیری و بروز نظام‌های غیرکلامی به ویژه هنرهای دیداری درون یک گفتمان اختصاص یافته، سعی بر

این است که نشان دهیم چگونه علاوه بر گزاره های زبانی گزاره های غیرزبانی چون نشانه های تصویری تحت نظارت و کنترل گفتمان این عصر بروز می یابند و خود باعث شکل گیری گفتمانی جدید در بطن یک جامعه می شوند. این پژوهش می کوشد تا با اتخاذ رویکرد تحلیل گفتمان به مقوله ی جنسیت در ایران دوره قاجار پرداخته و از تصاویر نقاشی به عنوان سندی برای این مدعا استفاده بنماید. اگرچه این موضوع از ابعاد توصیفی - تاریخی مورد توجه قرار گرفته اما از منظر تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین با توجه به کمبود نگاه تحلیلی با بنیادهای تئوریک بینارشته ای که متأسفانه در فضای آکادمیک هنرهای تجسمی در ایران وجود دارد، پیوند دو حوزه گفتمانی - زبانی و تصویری و تحلیل مناسبات میان این دو، راهی را خواهد گشود که بر کلیشه های رایج در نوع نگاه مرسوم به سنت تصویری در این دوران بی تأثیر نخواهد بود.

### روش و ابزار پژوهش

چنانچه گفته شد این پژوهش از نوع پژوهش های کیفی است و جمع آوری اطلاعات در آن به صورت کتابخانه ای و مطالعه ی منابع مختلف اعم از کتاب، پایان نامه ها، مقالات و طبقه بندی آرا و اطلاعات و توصیف و تبیین دیدگاه ها از لحاظ نظری صورت می گیرد. همان گونه که در بالا اشاره شد برای دست یابی به اهداف پژوهش از تلفیق تحلیل گفتمان و نشانه شناسی اجتماعی بهره خواهیم برد.

### جامعه آماری

جامعه آماری شامل کلیه ی نقاشی هایی است که از دوره ی فتحعلی شاه قاجار در ارتباط با موضوع جنسیت بر جای مانده است.

### نمونه آماری

بررسی ۴۰ اثر نقاشی مربوط به دوران فتحعلی شاه قاجار که همسو با دیدگاه ما در ارتباط با مسئله ی جنسیت در آن دوران می باشند.

### تبارشناسی گفتمان

امروزه «تحلیل گفتمان» از رایج ترین عبارتهایی است که در حوزه های گوناگون علمی مورد استفاده قرار می گیرد. دانش هایی همچون زبان شناسی، نشانه شناسی، بلاغت، سیاست، جامعه شناسی، روان شناسی، فلسفه و بسیاری دیگر از تحلیل گفتمانی برای تحقیق و پژوهش در پیکره ی مطالعاتی خود بهره می برند. در حقیقت، تحلیل گفتمان به رشته ی خاصی تعلق ندارد و یک نظریه و روش بینارشته ای محسوب می شود؛ بنابراین یک گفتمان نه مجموعه ای انتزاعی از احکام، بلکه مجموعه هایی از پاره گفتارها یا جمله ها، احکامی هستند که در بطن یک بافت اجتماعی وضع می شوند، توسط همان بافت اجتماعی تعیین می یابند و موجبات تداوم هستی آن بافت اجتماعی را فراهم می آورند.

ریشه ی این مفهوم را می توان در فعل یونانی «discurrere» که به معنای سرگردان و آواره بودن، پیمودن، طی کردن، از مسیر خارج شدن، حرکت کردن در جهات مختلف و ... است، شناسایی کرد. اگرچه مفهوم گفتمان به معنی تجلی زبان در گفتار یا در نوشتار به کار برده می شود، اما در بیان کلاسیک، بر زبان به عنوان «حرکت و عمل» همواره تأکید می شده است. «واژه ی گفتمان که سابقه ی آن در برخی از منابع به قرن چهاردهم میلادی می رسد در فرهنگ فشرده ی کالینز ۱۹۹۸ این گونه تعریف شده است:

(۱) مرادده ی کلامی؛ سخن، گفت و گو؛ (۲) بررسی فرمال یک موضوع در گفتار یا نوشتار؛ (۳) یک واحد متنی که زبان شناسان برای تحلیل پدیده های زبان شناختی به کار می گیرند، این واحد متنی بیش از یک جمله را

شامل می‌شود؛ (۴) To discourse: توانایی در استدلال (منسوخ)؛

(۵) To discourse on/upon سخن گفتن یا نوشتن به صورت فرمال یا صوری درباره‌ی [چیزی]

(۶) انعقاد یک مباحثه (۷) پخش کردن (موسیقی) (منسوخ) (میلز، ۱۳۸۸: ۸).

برای این مفهوم در زبان فارسی، معادل‌های گوناگون ذکر شده که از جمله می‌توان به «گفتار»، «سخن»، «وعظ و خطابه»، «درس و بحث»، «مقال» و «گفتمان» اشاره کرد؛ اما واژه‌ی گفتمان را برای اولین بار، داریوش آشوری در یکی از مقاله‌های خود، تحت عنوان «نظریه‌ی غرب زدگی و بحران تفکر در ایران» به کار برده است. در دهه‌های اخیر، مقوله‌ی گفتمان در عرصه‌ی نظریه‌های ادبی، فلسفی، جامعه‌شناسی، سیاست، روانکاوی و حتی روانشناسی اجتماعی و سایر حوزه‌ها و رشته‌های علوم اجتماعی مورد توجه اندیشمندان و نظریه پردازان قرار گرفته است که به بیان ساده مجموعه‌ای از گزاره‌ها و پاره‌گفتارهایی است که یک مفهوم کلی را در برمی‌گیرد و واجد معنا، نیرو و تأثیر در یک بافت اجتماعی است.

«گفتمان راجع به تولید دانش به کمک زبان است. ولی خودش از رهگذر عمل تولید می‌شود و از آن جا که تمام عمل‌های اجتماعی حاوی معنا است، تمام اعمال سویه‌ای گفتمانی دارند؛ بنابراین گفتمان در تمام اعمال اجتماعی وارد می‌شود و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد.» (هال، ۱۳۸۶: ۶۲). در تحلیل گفتمان مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه‌ی وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطه‌ی ساختار و واژه‌ها در گزاره‌های کلی نگریسته می‌شود. واژه‌ها هر کدام به تنهایی مفهوم خاص خود را دارا هستند اما در شرایط وقوع و در اذهان گوناگون معانی متفاوتی دارند.

«به اعتقاد یورگنسن و فیلیپس گفتمان‌گونه‌ای کنش اجتماعی است که در تولید جهان اجتماعی - شامل دانش، هویت‌ها و روابط اجتماعی - و در نتیجه حفظ الگوهای اجتماعی خاص نقش دارد. این نگرش ضد ذات‌گرا است: یعنی این‌که جهان اجتماعی به نحو اجتماعی ساخته شده است و در نتیجه، شرایط خارجی نیستند که ویژگی‌های جهان اجتماعی را مشخص یا از پیش تعیین می‌کنند، انسان‌ها نیز صاحب مجموعه‌ای از ویژگی‌های ثابت و اصیل یا ذات نیستند.» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۴).

«نظریه‌ی گفتمان اساساً در زبان‌شناسی متولد شد و تاکنون مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. اگرچه زبان‌شناسی مدت‌ها از تحلیل گفتمان غافل مانده بود، اما در سال ۱۹۵۲ زلیگ هریس، زبان‌شناس ساختگرایی آمریکایی، بررسی واحد بزرگتر از «جمله» را در کانون توجه زبان‌شناسی قرار داد و آن را تحلیل گفتمان نامید.» (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۴). «که خط سیر تحول آن از «شناخت زبان به‌عنوان پدیده‌ای در خود» به «شناسایی نقش زبان در انعکاس و بازتولید روابط و مناسبات اجتماعی» است.» (کلانتری، ۱۳۹۱: ۲۷).

«در تحلیل گفتمان ساختگرا، گفتمان به‌مثابه زبان، بزرگتر از جمله تعریف می‌شود. با گسترش نقش‌گرایی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، عده‌ای از زبان‌شناسان، مفهوم بافت را نیز وارد تحلیل گفتمان کردند و گفتمان را به‌مثابه زبان به‌هنگام کاربرد در نظر گرفتند. این نوع از تحلیل را می‌توان تحلیل گفتمان نقش‌گرا نامید. منظور از بافت در تحلیل گفتمان نقش‌گرا شرایط زمانی و مکانی محدودی است که زبان در آن به کار می‌رود. زبان‌شناسی انتقادی، قدرت و ایدئولوژی را نیز وارد جریان غالب تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی کرده و در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ رشد قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد و به تحلیل گفتمان انتقادی معروف شد. سیر تحول تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی را می‌توان در قالب تحلیل گفتمان ساختگرا، تحلیل گفتمان نقش‌گرا و تحلیل گفتمان انتقادی خلاصه کرد. وجه مشترک این سه رویکرد این است که در آن‌ها زبان بزرگتر از گفتمان است.» (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

«این نظریه بر نقش زبان در بازنمایی و نیز ایجاد واقعیت اجتماعی تأکید می‌کند؛ بنابراین نظریه، دسترسی به واقعیت تنها از طریق زبان میسر است؛ اما بازنمایی واقعیت از طریق زبان هرگز بازتاب واقعیت از پیش موجود و عینی نیست، بلکه در این بازنمایی، زبان در ایجاد واقعیت نقش ایفا می‌کند. در واقع جهان محصول گفتمان‌هاست. البته این نظریه وجود واقعیت را نفی

نمی‌کند، اما معتقد است اشیا و پدیده‌ها تنها از طریق گفتمان معنا می‌یابند. در این نظریه زبان صرفاً گذرگاه انتقال اطلاعات و بازنمایی صرف واقعیت نیست، بلکه ماشینی است که جهان اجتماعی را می‌سازد و معنادار می‌کند. هویت‌ها و روابط اجتماعی نیز محصول زبان و گفتمان‌ها هستند و تغییر در گفتمان تغییر در جهان اجتماعی را به همراه خواهد داشت و نزاع گفتمانی به تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود.» (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۲).

### گفتمان جنسیت در دوره‌ی قاجار

در دوره‌ی قاجاریه نیز وضع فواحش و طرب‌خانه‌ها و میفروشی‌ها همواره متزلزل و ناپایدار بود، با اینکه این‌گونه اماکن برای سودجویی و پرونده‌سازی برای ثروتمندان و اخاذی از آن‌ها بسیار مناسب بود، «معذک گاه‌وبیگاه دولت و مأمورین انتظامی برای سودجویی و عوام‌فریبی و یا فشار روحانیان به تخریب این اماکن و دستگیری مباشرین و گردانندگان آن مراکز مبادرت می‌کردند؛ و همین‌که سر و صداها می‌خوابید، بار دیگر این عناصر محروم و بی‌پناه به کار دیرین مشغول می‌شدند.» (راوندی، ۱۳۶۹: ۴۵۵).

هرگز سلاطین، مأمورین دیوانی و دیگر مقامات مال‌اندوز و عوام‌فریب ایران در مقام کشف رابطه‌ی علت و معلولی این مسائل برنمی‌آمدند و به خود زحمت مطالعه و تحقیق نمی‌دادند تا دریابند «چه علل و عواملی زنان محروم و مظلوم و بی‌پناه را به محیط نکبت‌بار فاحشه‌خانه‌ها سوق داده است: آیا خودخواهی مردان یعنی طلاق‌های بی‌مورد، داشتن غلام و کنیز، بی‌حرمتی و ناچیز انگاشتن حقوق آنان به رانده شدن زنان به فساد و فحشاء کمک نکرده است؟» (همان، ۴۵۵)

«از عهد مظفرالدین شاه به بعد، وضع فاحشه‌خانه‌ها بدتر شد و ظاهراً مأمورین دولت در مقابل رشوه‌ای که از زنان روسپی می‌گرفتند، به آنان اجازه می‌دادند که در هر کوی و برزنی که میل دارند سکنی گزینند.» (راوندی، ۱۳۶۹: ۵۰۸).

«وقتی که حاکم ناقض شد یعنی خودش فاحشه برد و بچه نگه داشت، دیگر نمی‌تواند جلوگیری از سایرین بکند، وانگهی کدام یک از این شاهزاده‌ها و رجال و اعیان هستند که یکی دو تا بچه و فاحشه ندارند، مگر نه اینکه نصرت اله خان پسر... محترم شیرازی را برده نگه داشته؟ مگر نه اینکه می‌گویند بتول آصف الدوله؟ مگر نه اینکه می‌گویند نگار علی محمد خانی؟ مگر همین منتصرالدوله فراشباهی سپهدار نیست که عطار فاحشه را نگه داشته است، رشتی را نگه داشته است؟... مگر نه اینکه... الدوله با تمام فاحشه‌خانه‌ها شرکت دارد؟ هر وقتی که یک بگیر بگیری می‌افتد، اغلب از فاحشه‌ها را در خانه خودش پناه می‌دهد.» (همان، ۵۰۹).

«ای عزیز من، حالا دیگر قبح این کار برداشته شده است، اگر کسی مرتکب نشود، می‌گویند عرضه ندارد، تصور بکنید تمام این فاحشه‌ها را، نصف این فاحشه‌ها را سردار... فاحشه کرد... این‌ها را به این‌طور حرکت می‌دهند، به اسم مطربی آن وقت... هر کدام ده تومان، بیست تومان به تفاوت از آن‌ها می‌گیرند...» (نقل از یغما، اردیبهشت ۳۹، ص ۹۶ به بعد، راوندی، ۱۳۶۹: ۵۱۰).

اکثر فواحش تهران، زن‌ها و دخترهای پاک‌دامنی بودند که در اثر دسایس قدرتمندان به دام فساد افتاده‌اند، عارف می‌نویسد: «در این وقت نظمیه‌ی تهران که مرکز حفظ ناموس این مملکت است، به دست بی‌ناموس‌ترین جنس بشر آقا بالا خان سردار سپرده شده بود... این بی‌شرف بی‌ناموس هر جا زن خوشگلی سراغ می‌کرد، به دستگیری زن‌های دلاله و اجزای بی‌ناموس نظمیه‌ی آن زمان که مشتی وافوری تربیت‌شده زیردست خودش بودند تا پرده‌ی عصمت آن‌ها را نمی‌درید، راحت نمی‌نشست، خود من زیاده از صد زن بدبخت را دیدم و جهت افتادن آن‌ها را به خط کج سؤال کردم، معلوم شد، همه را از پس پرده عصمت او بیرون کشیده و به کوچ‌های بدنامی او رهنمون بوده است.» (عارف قزوینی، به نقل از راوندی، ۱۳۶۹: ۵۱۱)

«همچنین فواحش مرد نیز از پسران تن‌فروش که (جن...خا.. دار) نامیده می‌شدند نیز جزء معروفه‌ها حساب شده داخل ایشان می‌لوییدند تا برایشان جایی در ابتدای جاده‌ی قزوین محلی به نام شهر نو در نظر گرفته به آنجا مکان داده شده از داخل شهر جمع‌آوری گردیدند.» (شهری، ۱۳۷۶: ۴۶۹).

در مورد روابط جنسی بزرگان و پادشاهان قاجار بنا بر مستندات که از خاطرات و سفرنامه‌ها در دست داریم می‌توان مطالبی را بیان نمود، از آن جمله رستم الحکما مؤلف رستم التواریخ این چنین نقل می‌کند که: «... هر کس زنی در حسن و جمال بی‌نظیر داشت، با رضا و رغبت تمام او را طلاق می‌گفت و از روی مصلحت و طلب منفعت او را به دربار معدلت بار خاقانی می‌آورد و او را از برای آن یگانه‌ی آفاق عقد می‌نمودند، با شرایط شرعی و آن زبده‌ی ملوک از آن حوروش محظوظ و ملتذذ می‌شد و او را با شرایط شرعی مرخص می‌فرمود و مطلقه می‌نمود و آن زن، خرم و خوش از سرکار فیض آثار پادشاهی انتفاع یافته با دولت و نعمت باز به عقد شوهر خود در می‌آمد.» (رستم‌الحکما، ۱۳۵۲: ۸۲).

### نتیجه‌گیری

تلقی فضای اجتماعی به‌مثابه فضایی گفتمانی و بستری که افراد از طریق آن واقعیت‌ها را می‌سازند، مطالعه‌ی مفاهیم گفتمان و بدن را بیش‌ازپیش حائز اهمیت می‌سازد. بدن خارج از چهارچوب زمان و مکان، تنها عنصری گوشتی و نامعین و فرم نیافته است که هستی آن نه در خلأ بلکه در نوع رابطه‌ی او با مکان و کنش و برهم‌کنش با فضای پیرامون اوست که موجود می‌شود و شکل می‌یابد. همچنان دیدیم جنسیت که دالی اجتماعی-فرهنگی تلقی می‌شود چگونه با توجه به جایگاه و موقعیت خود در فضای اجتماعی، مورد خوانش و ادراک قرار می‌گیرد و نیز کانونی برای آفرینش، بازآفرینی و دگرگونی در ساختارهای گفتمانی جامعه به شمار می‌رود. حال از آنجا که وجه غیرکلامی و فرازبانی رابطه، بر وجوه دیگر آن اولویت و غلبه دارد و از اهمیت فزون‌تری در ایجاد، ادراک و تفهیم روابط انسانی برخوردار است؛ ارتباطات غیرکلامی در تعاملات میان فردی، امری ضروری و در کنش‌های اجتماعی دارای حضوری قدرتمند است. این ارتباطات به شدت وابسته به عناصر سازنده‌ی بافت است و تنها در متن تاریخی-فرهنگی یک رابطه است که می‌توان نشانه‌ها و دال‌های غیرکلامی را به‌عنوان بازنمایی نمادین از کنش موردنظر درک کرد.

پس از بررسی گفتمان حاکم بر دوره‌ی قاجار، حضور جنسیت بدون ریا (در برخی از جنبه‌های آن)، در عرصه‌هایی از جامعه و بیش از آن در میان قدرتمندان مشاهده شد. همین بیان جنسی آزاد و نمود بی‌پروایانه‌ی جنسیت برخلاف تصورات موجود، نشانگر نبود ریای جنسی است و پدیده‌ی روسپی‌گری و شاهدبازی آشکارا در جامعه رواج یافت. درک انسان ایرانی دوران قاجار نسبت به خود و جنسیتش چگونه درکی بوده است؟ پاسخ به این سؤال مشکل و شاید ناممکن است؛ اما می‌توان به‌یقین گفت که ساختارهای مشخص و تا حدی سخت‌گیرانه‌ی جهان امروز تا پیش از قرن نوزدهم وجود نداشته‌اند. مفهوم زیبایی و نسبت دادن چهره‌ی زیبا به زنانگی، با برداشت‌های قرن نوزدهمی قاجار در ایران هم‌خوانی نداشت. در دوران قاجار یک چهره‌ی زیبا می‌توانست، به هر دو جنس مرد و زن نسبت داده شود؛ و هر دوی آنان به‌مثابه‌ی ابژه‌ی میل شناخته می‌شدند. اعم از این که آن دو فرد، هر دو پسر یا دختر، زن یا مرد باشند و خواه این کشش محرک احساساتی و روحی داشته باشد یا شهوانی. این مسئله شاید به این دلیل است که تعاریف دقیقی پیرامون زن یا مرد بودن و گفتمان عینیت یافته‌ای در مورد جنسیت در این دوران شکل نیافته است. با برشمردن مؤلفه‌های مدرنیته این نتیجه حاصل شد که ایران در این برهه‌ی تاریخی در دوران پیشا مدرن به سر می‌برد، یکی از مؤلفه‌های مدرنیته فردیتی بود که حاصل جامعه‌ی بورژواست؛ و آن‌چنان که هگل معتقد است هنر مدرن به‌طور کل مختص چنین جامعه‌ای است. چنین فردیتی نه در جامعه‌ی ایران به معنای عام و نه در هنر قاجار به‌طور خاص بروز نکرد؛ و ما تنها وارث ظاهری از مدرنیته بوده‌ایم بدون آنکه بستری برای آن فراهم باشد. اگر گرایش به برهنگی در هنر دوره‌ی مدرن در اروپا برای نمایاندن مفهوم فردیت یک انسان مدرن و مبارزه‌ی با اخلاق عصر ویکتوریایی

بود در عوض این عریانی در ایران جنبه‌ای اروتیک و همراه با لذت‌جویی بود که با نوعی ترس و هراس همراه گشته بود که خود به بازتولید امر جنسی در آثار نقاشی آن دوران کمک می‌نمود. ترس از نگاه دیگری باعث تغییری ظاهری در جایگاه ابژه‌ی میل گردید؛ اما همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد آیا این انکار و تکذیب و به انزوا کشانیدن میل هم‌جنس‌خواهانه می‌تواند منجر به حذف کامل آن گردد و یا اینکه باعث به گفتمان درآمدن آن به‌گونه‌ای دیگر در آثار تصویری این دوران می‌گردد؟

هنرمند ایرانی به‌جای کنار گذاری و طرد از ترفند تبدیل و تغییر استفاده نمود، در ابتدا حذف زوج‌های مرد-مرد و یا زن-زن اتفاق افتاد که خود منجر به افزایش تعداد نقاشی‌های زوج‌های عاشق‌پیشه گشت. با نگاه به این آثار با ابژه‌ی میلی سیال روبرو می‌شویم، چرخشی مدام بین زن و مرد. اینکه در این آثار زن به‌مثابه متعلق میل نگریسته می‌شود یا مرد جای بحث را باز می‌گذارد. در واقع مخاطب این آثار می‌توانست نه‌تنها هر دوی آنان را ابژه‌ی میل قرار دهد بلکه پا را فراتر نهاده و خود را به‌جای هر کدام از این فیگورها هویت‌یابی کند و این‌گونه معنای این آثار همواره به تأخیر می‌افتد. همان‌گونه که زاویه‌ی نگاه پرسوناژها در این تصاویر نیز مؤید این مطلب است. نگاه‌هایی که نه‌تنها بین دو سوژه‌ی زن و مرد رد و بدل نشده حتی گاهی به مخاطب نیز اشاره ندارد، نگاهی که شاید بتوان گفت بیشترین بار جنسی را با خود به همراه داشته و از مخاطب می‌خواهد که با تخیل خود وارد صحنه‌ی روایت شود. این نگرانی از خوانش اروپاییان از امیال ایرانیان تا جایی ادامه داشت که کم‌کم فیگورهای زنان به‌طور چشمگیری افزایش یافت. در این تصاویر نقاش تمام تلاش خود را به کار می‌گرفت تا وجه اروتیک این آثار را با عریان نمودن زنان افزایش داده و به‌گونه‌ای به مخاطب غربی نشان دهد که ابژه‌ی میل برای او در این حوزه تعریف شده و خوانش آنان از هم‌جنس‌گرایی ایرانیان را به‌طور کامل رد کند. این مدعا با توجه به سفرنامه‌ها و متون به‌دست‌آمده از این دوران قابل تأمل است. همان‌گونه که سفرنامه نویسان از تکرر روابط جنسی ایرانیان بسیار صحبت کردند و آن را بسیار نفرت‌آمیز، منجرکننده و شرم‌آور می‌دانستند. یا آن‌چنان‌که رستم الحکما در مورد زیبایی امردان می‌نویسد و یا رضا قلی میرزا در سفرنامه‌ی خود زنان و پسران اروپایی را به‌مثابه ابژه‌ی میل نگریسته و بین آن‌ها تمایزی قائل نیست.

این نوشته به‌طور کاملاً گویایی نشان‌دهنده‌ی فضای گفتمانی پیرامون مسئله‌ی جنسیت در ایران است، او به پسر جوان به دیده‌ی شاهد می‌نگرد و تعریف خاصی از ابژه‌ی میل ندارد و بین زن و مرد تفاوتی قائل نیست. گرچه زمانی که رفتار جنسی مرد ایرانی در معرض قضاوت نگاه دیگری قرار گرفت، متوجه شد که انجام عمل جنسی با هم‌جنس توسط اروپاییان به‌عنوان عملی نادرست نگریسته می‌شود و در چهارچوب هنجارهای اروپایی نمی‌گنجد؛ بنابراین در اثر سازوکارهای استیلا و تسلط گفتمان مدرن به این نتیجه رسیدند که تمایل هم‌جنس‌گرایانه باید پنهان شود. این‌که فرهنگ ایرانی چگونه توانست چنین تغییرات انقلابی را در گفتمان جنسیتی‌اش پذیرا شود و این‌که تأثیر عوامل درونی و رابطه‌ی آن با عوامل بیرونی چگونه بوده همچنان سؤال‌برانگیز است.

با هنجارمند شدن روابط دگرجنس‌خواهانه در خدمت خانواده و با کم‌رنگ شدن هم‌جنس‌گرایی، عشق رمانتیک زناشویی پدیدار شد. پیش از این، هدف از ازدواج بازتولید بود و عشق قالب تعریف‌شده‌ای به‌صورت عشق دگر جنس‌خواهانه‌ی روابط زناشویی کم‌رنگ بود. چند زنی و هم‌جنس‌گرایی عشق رمانتیک را کم‌رنگ کرد؛ اما با مطرود شدن هم‌جنس‌گرایی و تقدیس دگرجنس‌گرایی در قالب خانواده‌های تک‌همسری، مرد و زن از روابط با هم‌جنس خود نهی شدند. نقاشی‌های به‌دست‌آمده از این دوران سندی بر این مدعی هستند، از آنجاکه همه‌ی خصایص درون گفتمانی هستند هر آنچه که در نقاشی به منصفی ظهور رسیده از هیچ نیروی غیر گفتمانی تبعیت نکرده و ریشه و شکل‌گیری این گفتمان در حول معیارهای زیبایی‌شناسانه در زندگی روزمره نهفته است. به‌طورکلی معیارهای زیبایی از بطن جامعه برخاسته‌اند و دارای معیارهایی هستند که نقاش نیز تحت تأثیر این فضای گفتمانی قرار گرفته و اگرچه ناآگاهانه آن را در اثر خود به نمایش درآورد. در اوایل دوره‌ی قاجار ایده‌ی زیبایی در بیشتر موارد به‌وسیله‌ی جنسیت فرد مشخص نمی‌شد و در واقع زیبایی ربطی به جنسیت نداشت. به

همین دلیل است که مردان و زنان زیبا با چهره و مشخصات بدنی مشابهی به نمایش درمی‌آمدند و ویژگی‌های مشترکی داشتند که باعث ایجاد شبهه در تفسیر تصاویر می‌شد، در این تصاویر سوژه‌ی مرد، جوانی است که ریش و سبیل ندارد و محتملاً یک نوحه است. حال اگر جنسیت را برساخته‌ای اجتماعی بدانیم می‌توان این ادعا که مردان این تصاویر جنسیتی مردانه ندارند را پذیرفت، می‌توان با خوانشی که برخاسته و نشأت گرفته از دیدگاهی مدرن است مدعی بود که در این تصاویر ما با ابژه‌های میلی روبرو هستیم که از لحاظ بیولوژیک مرد هستند اما نمی‌توان برای آنان قائل به جنسیت مردانه بود. ولی زمانی که ایرانیان در ارتباط با اروپاییان قرار گرفتند، دچار چالش‌های فرهنگی- اخلاقی که از قضاوت اروپاییان برمی‌خاست شدند و حذف معشوق مرد از بازنمایی‌های بصری را یک راه‌حل جایگزین یافتند. وارد شدن نگاه خیره‌ی دیگری در صحنه میل همچون مزاحمی که وارد حریم خصوصی می‌شود، منجر به نقاب‌دار شدن میل همواروتیک شد.

صحنه‌های مرد-مرد کاهش یافت و تصاویر زوج عاشق‌پیشه فزونی یافت که می‌توانست به‌عنوان نقابی برای میل خدمت کند: بیننده اروپایی می‌توانست زوج مرد-زن را به‌عنوان صحنه‌ای از دیگر جنس خواهی خوانش کند درحالی‌که بیننده‌ی مرد ایرانی می‌توانست همچنان مرد جوان زیبا را به‌عنوان ابژه‌ی میل در نظر داشته باشد. یکی از راه‌های دیگر قرار دادن زنان نیمه برهنه یا عریان به‌عنوان ابژه‌ی میل در تصاویر بود، جنسی کردن زن و تصویر کردن مکرر زنان برهنه همراه شد. همان‌طور که دیدیم در بسیاری از نوشته‌های اروپاییان صحنه‌های رقصیدن در مورد پرکتیس‌های مرد-مرد انزجار ایجاد می‌کرد؛ بنابراین برای مردان ایرانی قرن نوزدهم اهمیت یافت تا این‌گونه اعمال را انکار کنند لذا سرگرم کننده‌های زنان برهنه یک راه دیگری شد تا تأکید کنند که این‌گونه رقاصان زن بودند و نه مردان جوان و زنان را به‌عنوان ابژه‌ی میل در تصاویر معرفی کنند. در نتیجه از آن جا که جنسیت برساخته‌ای مدرن است و با توجه به اینکه ایران در این دوران همچنان در دوره‌ی پیشامدرن به سر می‌برد و از الگوی مدرن جنسیت پیروی نمی‌کند، در تصاویر نقاشی این دوره ابژه‌های میل به اشکال گوناگون مشاهده می‌شود؛ و این تصاویر سندی هستند در اثبات اینکه دگر جنس گرایی، هم‌جنس گرایی و دو جنس گرایی در این دوران در ایران دیده می‌شود و در واقع ما با «گوناگونی جنسیت» (GENDER PLURALISM)، روبرو هستیم به‌طوری‌که نمی‌توان گونه‌ای از روابط جنسی دگر جنس گرایانه یا هم‌جنس گرایانه را گونه‌ی غالب بر جامعه دانست.

## منابع

- آزاد، حسن: پشت پرده‌های حرم‌سرا، چاپ هشتم، انتشارات انزلی، ارومیه، ۱۳۷۷.
- آصف، محمد هاشم: رستم التواریخ، تصحیح محمد مشیری، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۲.
- ابطحی، مصطفی. «رسمیت یافتن تشیع در ایران چالش‌ها و دستاوردها»، در مقصودعلی صادقی، مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره‌ی تاریخ ایران‌زمین، چاپ اول، انتشارات ستوده، تبریز، ۱۳۸۴.
- ابن سنجر، هندو شاه: تجارب السلف در تاریخ خلفا و وزرای ایشان، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۵۷.
- اعزازی، شهلا: فمینیسم و دیدگاه‌ها، چاپ اول، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵.
- اکبرزاده جهرمی، سید جمال‌الدین: «ارائه مدلی برای تحلیل گفتمان انتقادی فیلم»، نشریه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره ۱۶، سال ۱۲، تهران، ۱۳۹۰.
- التاریوس، آدام. سفرنامه التاریوس، ترجمه احمد بهپور، چاپ اول، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، تهران، ۱۳۶۳.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم: سیاست و اقتصاد عصر صفوی، چاپ دوم، انتشارات صفی علیشاه، تهران، ۱۳۵۷.
- بارنز، الکس: سفرنامه‌ی بارنز، سفر به ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار، ترجمه حسن سلطانی فر، چاپ دوم، موسسه‌ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.



- تره زل. یادداشت‌های ژنرال تره زل در سفر ایران، به اهتمام ژ.ب.دوما، ترجمه عباس اقبال، چاپ اول، انتشارات یساوولی، تهران، ۱۳۶۱.
- تکمیل همایون، ناصر. «عوامل تاریخی و عناصر فرهنگی در تأسیس سلسله صفویه»، در مقصودعلی صادقی، مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره‌ی تاریخ ایران زمین، چاپ اول، انتشارات ستوده، تبریز، ۱۳۸۴.
- جوئت، کری واویاما، رومیکو. «معنای بصری: رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی»، ترجمه تینا امراللهی. جمال‌زاده، محمدعلی: قصه‌ی ما به سر رسید، چاپ اول، انتشارات مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۵۷.
- جهانبگلو، رامین: ایران و مدرنیته، گفت‌وگو با پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه‌ی رویارویی با دستاوردهای جهان مدرن، چاپ اول، انتشارات قطره، تهران، ۱۳۸۷.
- جهانبگلو، رامین: ایران در جستجوی مدرنیته، بیست گفتگو در بی‌بی‌سی با صاحب‌نظران ایرانی، چاپ اول، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۴.
- چندلر، دانیل: مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، زیر نظر فرزاد سجودی، چاپ سوم، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۸۷.
- حسینی زاده، محمدعلی: «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، نشریه علوم سیاسی، شماره ۲۸، سال هفتم، تهران، ۱۳۸۳.
- حافظ، شمس‌الدین محمد: دیوان حافظ، چاپ سیزدهم، انتشارات گنجینه، تهران، ۱۳۸۱.
- دروویل، گاسپار: سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محیی، چاپ دوم، انتشارات بنگاه مطبوعاتی گوتنبرگ، ۱۳۴۸.
- دلاواله، پیترو: سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه شجاع‌الدین شفا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۸.
- دن گارسیا، فیگوئروا سیلوا: سفرنامه دن گارسیا، ترجمه غلامرضا سمیعی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۳.
- دوکوتزبونه، موریس: مسافرت به ایران، دوران فتحعلی شاه قاجار، ترجمه محمود هدایت، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۵.
- دهقانی، رضا. «اگرایی در ساختار روابط ایران و عثمانی در دوره صفویه»، در مقصودعلی صادقی، مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره‌ی تاریخ ایران زمین، چاپ اول، انتشارات ستوده، تبریز، ۱۳۸۴.
- راوندی، مرتضی: تاریخ اجتماعی ایران، جلد هفتم، چاپ سوم، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۶۹.
- رضا قلی میرزا: سفرنامه‌ی رضا قلی میرزا نوه فتحعلی شاه قاجار، به کوشش اصغر فرمانفرمایی قاجار، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۶.
- زیبا کلام، صادق: سنت و مدرنیسم، چاپ اول، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۷۷.
- سانسون: سفرنامه سانسون، ترجمه تقی تفضلی، تهران، ۱۳۴۶.
- سعیدی سیرجانی. وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ ه.ق، نشر نو، تهران، ۱۳۶۱.
- سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیدی، چاپ اول، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۴۹.
- سلطانی، علی‌اصغر: «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، نشریه علوم سیاسی، شماره ۲۸، سال هفتم، تهران، ۱۳۸۳.
- سلطانی، علی‌اصغر: «نظریه گفتمان»، نشریه علوم سیاسی، تهران، ۱۳۷۷.
- شاردن، ژان: سفرنامه شاردن، جلد ۸ و ۹، ترجمه اقبال یغمایی، چاپ اول، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۲.
- شرلی، آنتونی و رابرت: سفرنامه‌ی برادران شرلی، ترجمه آوانس، به کوشش علی ده باشی، چاپ اول، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۶۲.
- شوایتزر، اسوالد: روان‌شناسی جنسیتی، ترجمه بابا صمد نوری نژاد، انتشارات سپهر، تهران، ۱۳۴۶.

شهری، جعفر: تاریخ اجتماعی ایران در قرن سیزدهم، زندگی و کسب و کار، جلد اول، چاپ اول، انتشارات اسماعیلیان، تهران، ۱۳۶۷.

شهری، جعفر: طهران قدیم، جلد ۱، چاپ دوم، انتشارات معین، تهران، ۱۳۷۶.  
طاهری، ابوالقاسم: تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.  
عضدالدوله. تاریخ عضدی، به کوشش کاظم عابدینی مطلق، چاپ اول، نشر فراگفت، قم، ۱۳۸۸.  
علیمحمدی، جواد. همگامی ادبیات و نقاشی قاجار، چاپ اول، انتشارات یساولی، تهران، ۱۳۹۲.  
فلسفی، نصرالله: چند مقاله‌ی تاریخی و ادبی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲.  
فلور، ویلم و دیگران: نقاشی و نقاشان دوره قاجار، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، انتشارات ایل شاهسون، تهران، ۱۳۸۱.  
فکوهی، ناصر: تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، چاپ سوم، نشر نی، تهران، ۱۳۸۴.  
فوکو، میشل: اراده به دانستن، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، نشر نی، تهران، ۱۳۸۴.  
قابوس بن وشمگیر، عنصرالمعالی: قابوس‌نامه، تصحیح و حواشی از امین عبدالمجید بدوی، انتشارات ابن‌سینا، تهران، ۱۳۴۲.  
قاضی مرادی، بهناز: «تأثیر گفتمان مشروطیت بر هنجارهای تصویری دوره قاجار»، نشریه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، تهران، ۱۳۹۱.

کاتف، آفاناس یویچ: سفرنامه کاتف، ترجمه محمد صادق همایون فر، انتشارات دیاستریپ، تهران، ۲۵۳۶ شاهنشاهی.  
کدی، نیکی آر: ایران دوره قاجار و برآمدن رضاخان، ترجمه‌ی مهدی حقیقت‌خواه، چاپ اول، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۱.  
کرس، گونتر: نشانه‌شناسی اجتماعی از نظریه تا کاربرد، ترجمه سجاد کبگانی و دکتر رحمان صحراگرد، چاپ اول، انتشارات مارلیک، تهران، ۱۳۹۲.  
کلانتری، عبدالحسین: گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی، چاپ اول، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران، ۱۳۹۱.

کوپر، جی.سی: فرهنگ نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، نشر فرشاد، تهران، ۱۳۷۹.  
مستوفی، حمدالله: تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۹.  
معینی علمداری، جهانگیر. «سیاست نشانه‌ها: نشانه‌ها و بازسازی نظریه سیاسی»، دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.  
میر احمد منشی، قاضی: گلستان هنر، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲.  
میلز، سارا: گفتمان، ترجمه فتح محمدی، چاپ دوم، انتشارات هزاره سوم، زنجان، ۱۳۸۸.  
نویدی، داریوش: تغییرات اجتماعی و اقتصادی در ایران عصر صفوی، ترجمه هاشم آغاجری، نشر نی، تهران، ۱۳۸۶.  
وارنر، رکس: دانشنامه‌ی اساطیر جهان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، انتشارات اسطوره، تهران، ۱۳۸۶.  
هال، استوارت: معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی، ترجمه احمد گل محمدی، چاپ اول، نشر نی، تهران، ۱۳۹۱.  
یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز: نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، چاپ دوم، نشر نی، تهران، ۱۳۹۱.